

سرچشمه های جامعه شناسی در قرن هشتم هجری

کتاب های تازه

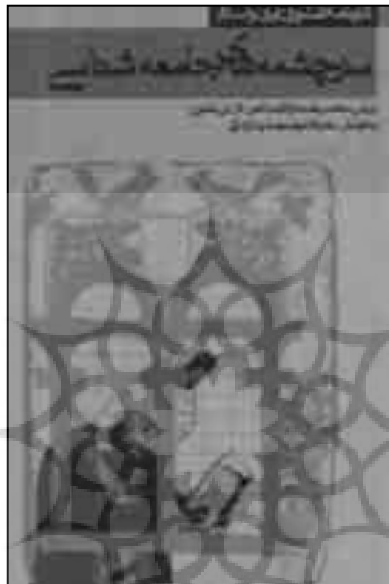
همان تاریخ ابن خلدون است. در پایان کتاب سوم که دو مجلد می باشد، ابن خلدون، زندگی نامه خود را تحت عنوان «التعریف بابن خلدون و رحلته غرباً و شرقاً» نگاشته است که خلاصه آن نیز در بخش نخست کتاب حاضر آمده است. این کتاب در شش بخش و بیست و هشت فصل سازمان یافته است. بخش اول مروری است بر زندگی و اوضاع و احوال دوران حیات ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ هـ / ۱۳۳۱-۱۴۰۶ م.) که شامل یازده فصل نخست کتاب به شرح زیر است:

۱. روزگار ابن خلدون
۲. تبار ابن خلدون
۳. آموزش و پرورش (۷۳۲-۷۵۲ هـ / ۱۳۳۲-۱۳۵۱ م.)
۴. ابن خلدون میان تونس و فاس (۷۵۳-۷۶۲ هـ / ۱۳۵۲-۱۳۶۱ م.)
۵. ابن خلدون در آندلس (۷۶۳-۷۶۶ هـ / ۱۳۶۲-۱۳۶۵ م.)
۶. مخاطره هایی تازه (۷۷۶-۷۷۷ هـ / ۱۳۶۵-۱۳۷۵ م.)
۷. گوشه نشینی و تألیف (۷۷۷-۷۸۴ هـ / ۱۳۷۵-۱۳۸۲ م.)
۸. ابن خلدون در قاهره (۷۸۴-۸۰۸ هـ / ۱۳۸۲-۱۴۰۶ م.)
۹. رابطه شخصیت ابن خلدون با آثار وی.
۱۰. کتاب العبر ابن خلدون.
۱۱. موقعیت کتاب و نویسنده آن.

در بخش دوم که فصل های دوازده تا هفده را دربر گرفته، دیدگاه و اعتقاد ابن خلدون نسبت به مفهوم و کارکرد تاریخ تبیین می شود.

فصل دوازدهم مفهوم تاریخ در دیدگاه ابن خلدون را روشن می سازد.

فصل سیزدهم موجبات غلط های مورخان از نظر ابن خلدون را توضیح می دهد که عبارت اند از: اعتماد به نقل تنها، غلو در آمار ارقام، پذیرش گزارش های بی پایه ساختگی، غفلت از تغییر یابی وضع ها.



○ سرچشمه های جامعه شناسی؛ بررسی مقدمه و کتاب العبر اثر ابن خلدون
○ به کوشش: دکتر غلامرضا جمشید نژاد اول
○ ناشر: مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۰، ۱۷۱ ص، ۸۵۰ تومان

فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر.

ابن خلدون، این اثر خویش را به سه کتاب، مجموعاً در هفت مجلد، بدین ترتیب تنظیم کرده است: کتاب یکم (یک مجلد)، کتاب دوم (چهار مجلد) و کتاب سوم (دو مجلد). کتاب یکم، که تنها یک مجلد است، به نام مقدمه تاریخ ابن خلدون نیز معروف شده و مشتمل بر مباحث ارزنده ای در علم تاریخ و علم عمران یا جامعه بشری است. در این کتاب خلاصه مطالب مقدمه بعلاوه ارزیابی آنها آورده شده است.

کتاب دوم و سوم که مجموعاً شش مجلد اند،

«کارنامه دانشوران ایران و اسلام» عنوان کلی مجموعه ای است که در آن مهم ترین و شاخص ترین آثار کهن تأثیرگذار بر فرهنگ و تمدن ایران و جهان، برای مطالعه و شناخت سریع تر و سهل تر محتوای این متون، به زبان ساده و روان امروزی تلخیص و بازنویسی می گردد. بدوین تردید در عصر کنونی که انبوهی از منابع و متون اصلی تاریخی به گونه های مختلف و متعددی تصحیح و چاپ یافته و بسیاری از آنها نسبت به زبان رایج امروز، از پیچیدگی نوشتاری و صناعات ادبی برخوردار هستند، استفاده از خلاصه ها و بازنوشتها می تواند تا سطوحی از مطالعه، مفید و حتی کارآمد باشد. به عبارت دیگر استفاده از این کتاب ها به منظور کسب آگاهی و مطالعه و افزایش دانش برای سطوح ابتدایی و تا حدی مبانی مطالعات می تواند کاربرد داشته باشد، لیکن باید توجه داشت که در کار تحقیق علمی که استحکام استدلال به اعتبار استناد وابسته است، و از طرفی شکل، فضا و ساختار متون از ویژگی های خاص و منحصر خود برخوردار هستند، بدون شک فرد محقق می بایست به اصل متون، مراجعه و استناد نماید.

در عین حال از آنجا که بازآفرینی متون به صورت خلاصه و مضمونی امکان آشنایی و استفاده طیف گسترده ای از جوانان با میراث ارزشمند تاریخی ما را فراهم می سازد، از این رو اهتمام «سازمان ملی جوانان» به این امر فرهنگی که به یاری «مؤسسه فرهنگی اهل قلم» صورت گرفته را ارج گذاشته، در اینجا به چهارمین شماره از مجموعه «کارنامه دانشوران ایران و اسلام» را که به معرفی و شرح حال ابن خلدون و تلخیص اثر معروف او - «مقدمه» - اختصاص یافته، نظری افکنده می شود.

از میان آثاری که از ابن خلدون در کتابشناسی ها و فهرست ها یاد کرده اند، یک کتاب قطور در تاریخ به دستمان رسیده، که عنوان کامل آن شاید طولانی ترین نام در میان کتاب ها باشد و چنین است: **کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر**

در فصل چهاردهم، علل راهیابی دروغ به گزارش‌ها به نظر ابن خلدون تشریح شده که عبارت‌اند از: هواداری از عقیده‌ها و مکتب‌ها، اعتماد به نقل‌کنندگان، درست‌پنداشتن، غفلت از هدف‌ها، نادانی نسبت به تطبیق حالت‌ها بر واقع‌ها، تقرب‌جویی مردمان به بزرگان و صاحب‌منصبان، نادانی نسبت به طبیعت‌های وضعیت‌های اجتماع.

در فصل پانزدهم سخن ابن خلدون درباره حقیقت تاریخ و لازمه‌های آن آورده شده که عبارت‌اند از: چپستی تاریخ، تاریخ: گزارش جامعه بشری، لازمه‌های تاریخ و تاریخ‌دانی.

در فصل شانزدهم، به منظور نگاه گذرا به محتوای تاریخ ابن خلدون به این دو پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا ابن خلدون نخستین تاریخ‌نگار علمی است؟ و آیا ابن خلدون چون تاریخ را علم نامیده از آن یک علم ساخته است؟

در فصل هفدهم نیز تلاش شده نشان داده شود که ابن خلدون چگونه تاریخ را یک علم ساخت.

در بخش سوم که به تلخیص و توضیح دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه ابن خلدون پرداخته و «ابن خلدون و جامعه‌شناسی یا علم عمران بشری» نام گرفته، فصل‌های هجدهم تا بیست و یکم با مباحث زیر مندرج است:

فصل هجدهم شامل گفتارهای ابن خلدون در علم عمران یا جامعه آمده که از این قرار است: «چرا به طبیعت تاریخ دروغ راه می‌یابد»، «چند نمونه از گزارش‌های محال»، «اولین و مهم‌ترین روش تشخیص حق از باطل»، «نیاز مورخ به علم عمران»، «علم عمران، یک علم جدید است»، «جست‌وجوهای پیشینیان در پیرامون این علم».

فصل نوزدهم نقد و نظری است درباره علم عمران مورد نظر ابن خلدون که از این مباحث تشکیل شده است: «درجه درستی گفته‌های ابن خلدون»، «آیا ابن خلدون در تاریخ خودش قاعده‌های علم عمران را به کار برده است؟»، «علم عمران ابداعی ابن خلدون و جامعه‌شناسی جدید»، «چگونه ابن خلدون به تفکر اجتماعی خویش رسیده است؟».

در فصل بیستم کلیات علم عمران ابن خلدون با این مطالب جمع‌بندی شده است: «ضروری بودن اجتماع انسانی»، «ضروری بودن حکومت در جامعه»، «بیره زمین از عمران»، «تأثیرگذاری اقلیم در عمران»، «تأثیرگذاری آب و هوا در رنگ‌ها و خلق و خوی‌های آدمیان»، «آثار فراوانی و کمبود در بدن‌ها و خلق و خوی‌های انسان‌ها». این فصل با



نقد کوتاه آراء اخیر ابن خلدون به پایان می‌رسد.

فصل بیست و یکم به بازگویی نظریه‌های ابن خلدون در عمران بدوی یا جامعه‌شناسی عشایری اختصاص دارد که عبارت‌اند از: «بیابان‌نشینی ریشه شهرنشینی»، «صحرائشینان از شهرنشینان به خوبی نزدیک‌اند»، «بیابان‌نشینان از شهرنشینان به دلیری نزدیک‌تر و بر غلبه‌یابی تواناتراند»، «بیابان‌نشینان مستقل‌تر و جنگ‌آورتر از شهرنشینان‌اند»، «چگونه بیابان‌گردان در زیر سلطه شهرنشینان قرار می‌گیرند؟»، «موجودیت قبیله‌های بیابان‌نشین جز با همبستگی حاصل نمی‌شود»، «ریاست صحرائشینان با دارندگان همبستگی است و نهایت آن در چهار نسل است»، «طبیعت‌های قوم عرب صحرائشین».

پایان بخش مطالب بخش اخیر (سوم) ارزیابی نظریه‌های ابن خلدون در چهار مقوله «شکل صحرائشین»، «مشخصه‌های صحرائشینان»، «نظریه همبستگی»، «طبیعت‌های قوم عرب».

در بخش چهارم با دیدگاه ابن خلدون درباره نقش و جایگاه وظایف و عملکرد دولت در جامعه شهری آشنا می‌شویم که مشتمل بر فصل‌های بیست و دو تا بیست و چهارم است.

فصل بیست و دوم درباره «پیدایش دولت» و شامل این مطالب است: «تأسیس دولت جز با نیروی همبستگی میسر نیست»، «فضیلت‌های سیاسی در ساختار دولت، تکمیل‌کننده همبستگی‌اند»، «فراخوانی دینی نیروی دولت را

می‌افزاید، اما از همبستگی بی‌نیاز نمی‌گرداند»، «گسترده‌گی و طول عمر دولت‌ها به نیروی همبستگی‌شان بستگی دارد».

فصل بیست و سوم چگونگی «تحول‌های دولت» در اندیشه ابن خلدون را مورد توجه قرار می‌دهد که دربرگیرنده سه موضوع: «انتقال دولت از شکل صحرائشین به شکل شهرنشینی»، «عمر دولت» و «شکل‌های دولت» است.

در فصل بیست و چهارم دو عامل سقوط دولت از نظر ابن خلدون با این دو مطلب توضیح و ارزیابی می‌شود: «پیری وقتی دولتی را بگیرد، رها نمی‌کند»، «راهیابی کاستی و نابسامانی به دولت از طریق مال و ثروت».

نظر ابن خلدون درباره راه‌های امرار معاش در جامعه شهری موضوع بخش پنجم است که دربردارنده فصل‌های بیست و پنجم تا بیست و هفتم است:

در فصل بیست و پنجم راه‌های امرار معاش مردم در سه شکل کشاورزی، صنعت و بازرگانی توضیح داده شده است.

در فصل بیست و ششم از راه‌های امرار معاش دولت صحبت می‌شود که عبارت‌اند از: «کم و زیاد گرفتن مالیات»، «عوارض بستن و بازرگانی و کشاورزی پیشه کردن حکومت»، «بیگاری کشیدن و احتکار»، «سکه و نظارت بر پول».

در فصل بیست و هفتم که «نتیجه شکوفایی تمدن» نام گرفته دو مطلب آمده است: «تمدن در شهرها با استواری دولت، استحکام می‌یابد»، «تمدن، هدف و منادی تباهی و پایانه عمر عمران است».

بخش اخیر (پنجم) با نقد و ارزیابی کوتاه آرای ابن خلدون در مباحث پیش گفته به پایان می‌رسد. بخش ششم که تنها فصل بیست و هشتم را در اشمال دارد، بازتابنده دیدگاه ابن خلدون نسبت به عقل و فلسفه است که از مباحث زیر تشکیل یافته: «عقل، دریافت علت‌ها و معلول‌ها است»، «عقل، تشخیصی و تجربی و نظری است»، «فراتر از جهان عقل، جهان روان‌ها و فرشتگان است»، «علوم عقلی»، «منطق»، «طبیعیات»، «الاهیات» و «ریاضیات».

کتاب با نقد و نظری در باب دیدگاه‌های ابن خلدون به پایان می‌رسد.

در پایان کتاب همچنین به منظور کمک به فراگیری بهتر مباحث، ۱۰ پرسش اصلی درباره مباحث متن مطرح شده است که خوانندگان می‌توانند به آن پاسخ گویند. صفحات پایانی به فهرست منابع اختصاص یافته است.